

مقبره الشعراء تبریز بزرگترین آرامگاه ادیبان و شاعران پارسی گوی ایرانزمین و خار چشم پانترکان



مقبره الشعراء تبریز

آذربادگان از دیر باز یکی از اصلیتترین قطب های شعر و ادب ایرانزمین بشمار می آید و بی تردید شهر تبریز به خاطر جای دادن عارفان و شاعران صاحب نام در دل خود، جایگاه ویژه ایی را در بین شهر های دیگر کشورمان دارا می باشد. **مجموعه مقبره الشعراء تبریز بزرگترین آرامگاه ادیبان و شاعران پارسی گوی ایران، یکی از گورستان های تاریخی شهر تبریز می باشد که در محله سرخاب واقع شده است. این مجموعه تاریخی و ادبی خار چشمیست برای همه قوم گرایان و پیروان تفکر پانترکیسم که خواستار تعریف هویت جعلی و ساختگی غیر ایرانی برای آذربادگان و باشندگانش می باشند. مقبره الشعراء هم اکنون در پیرامون تکیه حیدر در تقاطع خیابان های ثقه الاسلام و عارف شهر تبریز واقع شده است و در ضلع شرقی بقعه سید حمزه و مقبره قائم مقام و ملا باشی قرار دارد. هر چند برخی از ادیبان و شاعران مقبره الشعراء تبریزی یا آذربایجانی الاصل نبوده اند اما با این حال هر کدام به علتی به تبریز گذری داشته و به مرور زمان شیفته آن شده و در این مکان ساکن و طبق وصیت شان در تبریز به خاک سپرده شده اند. کوی سرخاب تبریز به جهت انتساب به شاعران نامی، ارج و قرب بسیاری در بین مردم داشته است به طوری که زندگی در آن و حتی دفن شدن در این کوی معروف، آرزوی بسیاری از بزرگان محسوب می شد.**



مقبره الشعراء تبریز

از مقبره الشعرا یا آرامگاه شاعران در سرخاب تبریز تا قبل از قرن هشتم نامی برده نشده است. قدیمی ترین کتبی که نام مقبره الشعرای تبریز را به صراحت نوشته است، تاریخ گزیده و نزهه القلوب حمد الله مستوفی است که در سال های ۷۳۰ و ۷۴۰ هجری قمری تالیف شده است. باید گفت که نام مقبره الشعرا سرخاب ظاهرا" پس از دفن شدن شاعران معروف قرن ششم مانند خاقانی و ظهیر و شاعرانی که بعد از آنها در آنجا دفن شده اند در کتب تاریخ و تذکره آمده و رفته رفته معروفیت یافته است. شهر تبریز پس از آنکه در قرن ششم مرکز حکومت اتابکان آذربایجان شد پناهگاه شاعرانی که زندگی آرام و آسوده ایی را دور از جنگ و نزاع می جستند گردید، خاقانی و ابوالعلا و فلکی از شروان و گنجه، ظهیر فاریابی و شاهپور نیشابوری از خراسان به تبریز آمدند و در این شهر ساکن شدند و پس از مرگ، یکایک آنان در جایگاه مخصوصی دفن شدند که این حظیره را در تاریخ و تذکره ها به عنوان مقبره الشعرا یاد کرده اند، شاعران دیگری نیز از عهد ایلخانیان تا ایلکانیان و دوره آق قویونلو در تبریز بودند و یا از نقاط دیگر به تبریز آمده و در این شهر در گذشته اند که غالبا در همین حظیره و در جوار خاقانی مدفون هستند.



مقبره الشعرا قبلا با نام های حظیره الشعرا، حظیره القضاء، قبرستان سرخاب معروف و مشهور بوده است اما متاسفانه گذشت روزگاران و مهم تر از آن حوادث طبیعی چون سیل و زلزله، شکل ظاهری آن را از بین برده و آثاری از مقابر این بزرگان بر جای نمانده است. چنانچه طباطبایی صاحب کتاب اولاد اطهار که در سال ۱۲۹۴ هجری قمری تالیف شده، نوشته است که به علت زلزله های بسیار مخصوصا زلزله سال ۱۱۹۳ و بعد از آن در سال ۱۱۹۴ آثاری از آن به جای نمانده است.



به دلیل مدفون شدن بسیاری از شاعران و عارفان بزرگ در این گورستان، در شهریورماه ۱۳۵۰ خورشیدی مسابقه ای برای طرح یک بنای یادبود در مقبره الشعرا توسط روزنامه های اطلاعات و کیهان و

مجله یغما برگزار گردید و پس از چندی پیشنهاد «غلامرضا فرزانه مهر» برگزیده شد و عملیات احداث بنای یادبود آغاز گردید. البته لازم بذکر است اجرای نهایی و عملیاتی شدن این پروژه بعد از شورش صورت پذیرفت و هم‌اکنون این بنای یادبود نماد مقبره الشعرا و یکی از نمادهای شهر تبریز محسوب می‌شود. بیش از ۴۰۰ شاعر، عارف و رجال نامی ایران و کشورهای منطقه از ۹۰۰ سال پیش به ترتیب از حکیم اسدی طوسی تا استاد شهریار، یکی پس از دیگری در اینجا به خاک سپرده شده‌اند.

از معروفترین آرمیدگان در مقبره الشعرا می‌توان به افراد زیر اشاره کرد:

«۱. اسدی طوسی - ۲. خاقانی شروانی - ۳. ذوالفقار شروانی - ۴. سید محمدحسین شهریار - ۵. عزیز خان مکری - ۶. شاهپور نیشابوری - ۷. شکیبی تبریزی - ۸. شمس‌الدین سجاسی - ۹. ظهیر فاریابی - ۱۰. قطران تبریزی - ۱۱. لسانی شیرازی - ۱۲. مانی شیرازی - ۱۳. مجیرالدین بیلقانی - ۱۴. مغربی تبریزی - ۱۵. همام تبریزی - ۱۶. اشهر سبزواری - ۱۷. بابامزید - ۱۸. باباحسن - ۱۹. عبدالرحیم آبادی - ۲۰. نظام‌الدین یحیی الغوری - ۲۱. حسن بلغاری - ۲۲. سلطان پیرباب - ۲۳. معین‌الدین صفار - ۲۴. کمال‌الدین عبدالقادر نخجوانی - ۲۵. بهاء‌الدین خاکی - ۲۶. ضیاء‌الدین بزرگ - ۲۷. ابوالعلاء فلکی - ۲۸. عصار تبریزی - ۲۹. انوری ابیوردی - ۳۰. شیخ محمد خیابانی - ۳۱. ثقة‌الاسلام تبریزی - ۳۲. امیه بن عمر و بن عمیه - ۳۳. مجذوب علی شاه - ۳۴. هفت خواهران - ۳۵. امیر عبدالغفار - ۳۶. میرزا شفیق مستوفی - ۳۷. حارث بن امیه - ۳۸. امام طالحه - ۳۹. پیر محمد - ۴۰. حافظ حسین زال - ۴۱. عبدالرحیم خلوتی - ۴۲. درویش سراج‌الدین قاسم - ۴۳. اکمل‌الدین مظفر بزازی - ۴۴. مجد‌الدین صنع‌الله کوزه‌کنانی - ۴۵. نجم‌الدین سمساری - ۴۶. برهان‌الدین واعظ هروی - ۴۷. قاضی مجد‌الدین محمد انصاری - ۴۸. خواجه عبدالرحیم ازآبادی - ۴۹. شمس‌الدین محمد خطاط - ۵۰. شیخ اسحاق مراغی - ۵۱. صلاح‌الملک و الدین حسن نخجوانی ثم البلغاری - ۵۲. سید جلال‌الدین مهدی نقیب تبریزی حسنی - ۵۳. شیخ نور‌الدین بیمارستانی - ۵۴. تاج‌الدین منشاوی - ۵۵. فخرالدین احمد اره‌گر - ۵۶. پیر عماد‌الدین - ۵۷. اخ‌الدین - ۵۸. غیاث‌الدین محمد - ۵۹. پیر لیلی - ۶۰. پیر سلیمان‌شاه جوهری - ۶۱. ابی‌حامد افضل‌الدین محمد بن اسعد بن اسعد بن الفقیه محمد التبریزی المحدث - ۶۲. حافظ حسن کمانکش - ۶۳. بهاء‌الدین محمد خاکی - ۶۴. پیر محمد - ۶۵. پیر رازیار - ۶۶. پیر قندیلی - ۶۷. پیر ترک - ۶۸. بابا اسماعیل - ۶۹. بابا احمد قمچی باف - ۷۰. مولانا محمود ازآبادی - ۷۱. شرف‌الدین نوری طارمی - ۷۲. نصرالله طبیب - ۷۲. سلطان دده علی - ۷۳. دکتر مهدی روشن ضمیر - ۷۴. دکتر محمود پدیده - ۷۵. استاد جواد آذر - ۷۶. استاد میرزا طاهر خوشنویس تبریزی - ۷۷. محمود ملماسی - ۷۸. سید یوسف نجمی - ۷۹. استاد علی حریرچی - ۸۰. میرزا عیسی فراهانی - ۸۱. دکتر منوچهر مرتضوی».

از جمله معروفترین شاعران آرمیده در مقبره الشعرا تبریز می‌توان اسدی طوسی، قطران تبریزی، مجیرالدین بیلقانی، خاقانی شروانی، ظهیرالدین فاریابی، شاپور نیشابوری، شمس‌الدین سجاسی، ذوالفقار شروانی، همام تبریزی، مانی شیرازی، شکیبی تبریزی و سید محمد حسین شهریار را نام برد.



تعدادی از مقبره های معاصر واقع در مقبره الشعرا تبریز



نمایی از مقبره اسدی توسی به عنوان اولین شاعر مدفون در مقبره الشعرا

اسدی توسی:

ابو نصر علی بن احمد، اسدی توسی نخستین شاعر مدفون در مقبره الشعرا بوده که قصاید مناظره، گرشاسب نامه، و لغت فرس و همچنین کتاب نسخه الابنیه عن حقایق الادویه از آثار اوست، اسدی در طوس متولد شده و در سال ۴۲۵ هجری قمری در تبریز وفات یافته است.

تا تصفیه کردند حیات ابدی را
یک فاتحه بفرست روان اسدی را

معنی طأبان بادیه عمر بریدند
شکرانه اسباب حیاتی که تو را هست



تندیس شاعر بی بدلیل پارسی گوی قطران تبریزی

قطران تبریزی:

شاعر معروف قرن پنجم هجری قمری و دومین شاعری است که در سرخاب به خاک سپرده شده است، کنیه او ابو منصور بوده و نخستین شاعر پارسی گوی آذربایجان محسوب می شود، صاحب مجمع الفصحا. تاریخ وفات قطران را در سال ۴۶۵ هجری قمری ذکر نموده است.

به ایمنی و به مال و به نیکویی و جمال
ز خلق و مال همه شهر بود مالامال
امیر و بنده و سالار و فاضل و مفضل
یکی به جستن نام و یکی به جستن مال

نبود شهر در آفاق خوشتر از تبریز
ز ناز و نوش همه خلق بود نوشانوش
در او به کام دل خویش هر کسی مشغول
یکی به خدمت ایزد یکی به خدمت خلق

مجیر الدین بیلقانی:

ابوالمکارم مجیر الدین بیلقانی از شعرای قرن ششم هجری قمری و شاگرد خاقانی بوده است زادگاه او بیلقان از توابع شیروان می باشد مجیر در غزل سرایی روان گوی و لطیف طبع است. تاریخ وفات او سال ۵۸۶ هجری قمری و محل دفن او مقبره الشعرا می باشد.

قاهر کامران تویی، وز قبل ثنای تو
همت کس به گرد او در نرسد به شاعری
ژاژ به نظم کرده را همبر سحر او منه
خطه نظم و نثر را هست مجیر قهرمان
بر سر قبه فلک کس نرود به نردبان
لاشه سالخورده را هم تک رخس او مران



تندیس شاعر نامی پارسی گوی خاقانی شروانی در کنار مسجد کبود شهر تبریز

خاقانی شروانی:

بزرگترین شاعر قرن ششم و از مشهورترین شاعرانی که در مقبره الشعرا دفن شده اند، افضل الدین بدیل بن نجار خاقانی شروانی می باشد. محل تولد او شروان یا شیروان و تاریخ ولادتش را در سال ۵۲۰ هجری قمری ذکر کرده اند. خاقانی زندگی پر نشیب و فرازی داشته و در سال ۵۹۵ هجری قمری در تبریز وفات یافته است. از آثار این شاعر بزرگ می توان به دیوان اشعار، مثنوی تحفه العراقین، منشآت خاقانی و مثنوی کوتاه ختم الغرایب اشاره کرد.



تندیس خاقانی شروانی در مقبره الشعرا شهر تبریز

این شعر را در سوگ همسرش گفته است:

بس وفا پرورد یاری داشتم
آن نه یار آن یادگار عمر بود
بس به راحت روزگاری داشتم
بس به آیین یادگاری داشتم

ظهیر الدین فاریابی:

پس از خاقانی مشهورترین شاعری که در مقبره الشعرا دفن شده، ابوالفضل طاهر بن محمد فاریابی متخلص به ظهیر بوده و در حدود سال ۵۵۲ هجری قمری در فاریاب بلخ تولد یافته است، ظهیر الدین بر خلاف خاقانی که بلند همت و دارای مناعت طبع بود و مداحی می کرد، در فقر و تنگدستی به سر می برد. وی در اواخر عمر منزوی و در سال ۵۹۸ هجری قمری وفات کرد.

کمینہ پایہ من شاعری است، خود بنگر
ز شعر، جنس غزل بہتر است و آنہم نیست
کہ تا چہ پایہ کشیدم ز دست او بیداد
بضاعتی کہ توان ساختن بر آن بنیاد

شاهپور نیشابوری:

جمال الدین شاهپور بن محمد اشہری از شعرای قرن ششم و شاگرد ظہیر فاریابی بوده و در خدمت سلطان محمد تکش می زیسته و به قول اکثر مورخین در سال ۶۰۰ هجری قمری درگذشته و در مقبره الشعرا مدفون شده است.

عقیق را ز لب آب در دہان آید
بہ بخل میل کند با ہمہ گہر بخشی
خدنگ را ز قدت آب در میان آید
اگر لب تو بہ دست خدایگان آید

شمس الدین سجاسی:

شاعر و ادیب قرن ششم که در سال ۶۰۲ هجری قمری وفات یافته و باستاند آنچه در نزه القلوب حمد الله مستوفی آمده در مقبره الشعرا به خاک سپرده شده است.

حسن را جز بر روی تو سر و کار مباد
دشمن از عشق تو چون چہرہ من دیدچہ گفت
عشق را جز بہ سر کوی تو بازار مباد
ہیچ سرگشتہ اسیر دل و دلدار مباد
دی ز درد تو بنالید دلم، دشمن گفت
نالہ ہیچ دل آزرده چنین زار مباد

ذوالفقار شروانی:

سید قوام الدین حسین بن صدر الدین علی شروانی متخلص به ذوالفقار که لقب ملک الشعرا نیز داشته از شعرای قرن هفتم هجری بوده و او را واضع شعر مصنوعی می دانند سال وفات وی را ۶۸۹ هجری قمری نوشته اند.

بوستان بر سرو دارد آن نگار دلستان
چمن شد از گل صد برگ تازه دلبر وار
آن نگار دلستان بر سرو دارد بوستان
بہار یافت بہاری ز باد در گلزار

خواجه همام تبریزی:

خواجه همام الدین محمد بن علا الدین فریدون تبریزی از شعرای بزرگ قرن هفتم بوده که همام تخلص می کرد. در زمان خود ارادتمند اشعار سعدی بوده است تاریخ تولد او ۶۳۶ هجری قمری و تاریخ وفاتش بدون شک در سال ۷۱۴ هجری قمری و محل دفن وی مقبره الشعرا تبریز است. از آثار او به جز دیوان شعر می توان به اثر المجموعه الرشیدیه اشاره کرد.

ای عرصه تبریز زیانت مرساد
تو همچو تنی و جان و دل هر دو امام
آسیب زمان به مردمانت مرساد
دردی به دل و غمی به جانانت مرساد

مغربی تبریزی:

شاعر و صوفی قرن هشتم هجری که از شعرای پیشین به دو عارف بزرگ یعنی سنایی و عطار ارادت می ورزید. تاریخ تولد او سال ۷۴۹ هجری قمری و تاریخ وفاتش را ۸۰۹ هجری قمری ذکر کرده اند که در مقبره الشعرا مدفون است. از آثار ادبی او به جز دیوان اشعار همراه العارفین یا اسرار فاتحه در تفسیر سوره مبارک فاتحه را می توان یاد کرد.

تنها نبود مغربی از نرگس او مست
در هر طرف از نرگس او مست و خرابی است

مانی شیرازی:

مانی شیرازی در دوره شاه اسماعیل صفوی می زیسته و در اواخر عمر بواسطه دشمنی امیر نجم زرگر به قتل رسیده است از دیوان مانی چند نسخه در کتابخانه ملی و مجلس موجود است. تاریخ وفاتش را ۹۱۳ یا ۹۱۴ هجری قمری و محل دفن او نیز مقبره الشعرا است.

مرا به جور بکشتی طریق داد این بود
چو در به سینه من چاکها فراوان است
ز پادشاهی حُسن توام مُراد این بود
دردی که بر رخم از عاشقی گشاد این بود

لسانی شیرازی:

مولانا وجیه الدین عبدالله لسانی شیرازی در شیراز متولد شده و در بغداد و دارالسلطنه تبریز می زیسته و بدین جهت به قول صاحب آتشکده، جمعی وی را تبریزی می دانند. تاریخ وفات او سال ۹۴۰ یا ۹۴۱ هجری قمری می باشد.

گر بند لسانی گسلد از بندش
بالله که ز مشرق دلش سر نزند
ور خاک شود وجود حاجتمندش
جز مهر علی و یازده فرزندش

شکیبی تبریزی:

مقصود علی شکیبی تبریزی از شعرای قرن دهم است صاحب خلاصه الاشعار او را شاعری لطیف طبع و

مردی پاک نهاد ذکر کرده که در شاعری به مرتبه عالی دست یافته است. شکیبی در سال ۹۷۱ هجری قمری در تبریز در گذشته و در مقبره الشعراى تبریز دفن شده است.

چو عالم را نمی دانی دلم شاد است پنداری همه کس چون تراز بندغم آزاد است پنداری
شکیبی چند در بزم غم افغان میکند هر شب سرود بزم عاشق آه و فریاد است پنداری



نمایی از مقبره شهریار به عنوان آخرین شاعر مدفون در مقبره الشعرا

سید محمد حسین بهجت تبریزی ((شهریار)):

فرزند آقا سید اسماعیل موسوی معروف به حاج میر آقا خشکنابی در سال ۱۳۲۵ هجری قمری (شهریور ماه ۱۲۸۶ هجری شمسی) در بازارچه میرزا نصراله تبریز واقع در چای کنار چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۲۸ هجری قمری که تبریز آستان خونین وقایع مشروطیت بود، پدرش او را به روستای قیش قورشاق و خشکناب منتقل نمود. دوره کودکی استاد در آغوش طبیعت و روستا سپری شد که منظومه حیدر بابا مولود آن خاطرات است. در سال ۱۳۳۱ هجری قمری پدرش او را جهت ادامه تحصیل به تبریز باز گرداند و او در نزد پدر شروع به فراگیری مقدمات ادبیات عرب نمود، و در سال ۱۳۳۲ هجری قمری جهت تحصیل اصول جدید به مدرسه متحده وارد شد. در همین سال اولین شعر رسمی خود را سرود و سپس به آموختن زبان فرانسه و علوم دینی نیز پرداخت. وی از فراگیری خوشنویسی نیز دریغ نمی کرد که بعد ها کتابت قرآن ثمره همین تجربه می باشد. در سیزده سالگی اشعار شهریار با تخلص بهجت در مجله ادب به چاپ می رسید. در بهمن ماه ۱۲۹۹ شمسی برای اولین بار به تهران مسافرت کرد و در سال ۱۳۰۰ توسط لقمان الملک جراح در دارالفنون مشغول تحصیل شد، شهریار در تهران تخلص بهجت را نپسندیده و تخلص شهریار را پس از دو رکعت نماز و تفعل از حافظ انتخاب کرد.

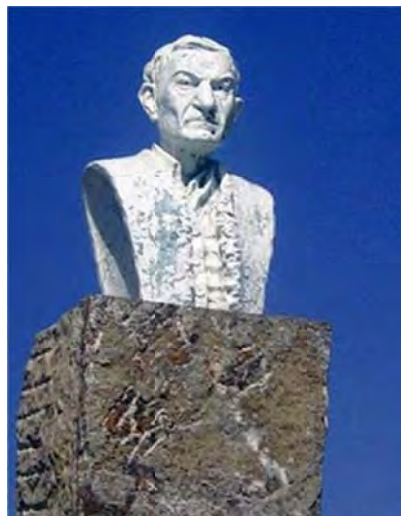
غم غریبی و غربت چو بر نمی تابم روم به شهر خود و شهریار خود باشم



مقبره استاد شهریار

از بدو ورود به تهران با استاد ابوالحسن صبا آشنا شد و نواختن سه تار و مشق ردیف های سازی موسیقی ایرانی را از او فرا گرفت. او همزمان با تحصیل در دارالفنون به ادامه تحصیلات علوم دینی پرداخت. در مسجد سپهسالار در حوزه درس سید حسن مدرس شرکت می کرد. در سال ۱۳۰۳ وارد مدرسه طب شد و همین زمان آغاز زندگی شور انگیز و پر فراز و نشیب اوست. در سال ۱۳۱۳ و زمانی که شهریار در خراسان بود پدرش حاج میر آقا خشکنابی به دیدار حق شتافت او سپس در سال ۱۳۱۴ به تهران بازگشت و از این پس آوازه شهرت او از مرزها فراتر رفت. شهریار شعر فارسی و ترکی آذری را با مهارت تمام می سرود و در سال های ۱۳۳۰ تا ۱۳۲۹ اثر جاودانه خود حیدر بابایه سلام را خلق و برای همیشه به یادگار گزارد.

در تیر ماه ۱۳۳۱ مادرش دار فانی را وداع گفت، در مرداد ماه ۱۳۳۲ به تبریز آمده و با یکی از منسوبین خود بنام خانم عزیزه عمید خالقی ازدواج کرد که حاصل این ازدواج سه فرزند بنامهای شهرزاد و مریم و هادی بود. در حدود سال های ۱۳۴۶ شروع به نوشتن قرآن بخط زیبای نسخ نمود که یک ثلث آنرا به اتمام رساند. دیوان اشعار فارسی استاد نیز چندین بار چاپ و بلافاصله نایاب شد. در مدت اقامت در تبریز موفق به خلق اثر ارزنده سهندیه در رومانتیک ترکی گردید. در سال ۱۳۵۰ مجدداً به تهران مسافرت نمود و تجلیل های متعددی از شهریار بعمل آمد. او پس از یک دوره بیماری در ۲۷ شهریور ماه ۱۳۶۷ دار فانی را وداع و در مقبرةالشعرا به خاک سپرده شد.



تندیس استاد شهریار در مقبره الشعراى تبریز

که میزبان شما ما نه بلکه خاقانی است
ظهیر خفته در اینجا و فاریاب اینجا است
چهل دقینه در این خاکها بود مدفون
دمی به چلتن تبریز پیر خود پرداز

بکس نه جرات چونین عظیم میهمانی است
به ابر تیره نبیند که آفتاب اینجا است
بسان عسجدی اینجا است مست خواب برون
پس از طواف مزارت چلتن شیراز

از دیگر چهره های نام آشنای آرامیده در مقبره الشعراى تبریز می توان:



تندیس میرزا عیسی قائم مقام در موزه قاجار تبریز

میرزا عیسی فراهانی:

میرزا عیسی قائم مقام که پدر میرزا ابوالقاسم بود اول کسی است که در این سلسله به لقب قائم مقامی ملقب شده است و مناسبت این لقب آن است که پادشاه ایران او را قائم مقام صدارت کرد، هر چند کار صدارت با میرزا شفیع شیرازی بود اما کارها با رای و امضای میرزا عیسی انجام می گرفت. رحلت میرزا عیسی در ماه صفر ۱۳۳۸ هجری مطابق با ۱۸۲۲ میلادی در دارالسلطنه تبریز و با مرض وبا اتفاق افتاد و اکنون مرقدش در مقبره الشعراى تبریز واقع شده است. آثار میرزا عیسی عبارتند از اثبات النبوه الخاصه به زبان فارسی، احکام الجهاد و اسباب الرشاد و رساله ایی به فارسی که جهادیه کبری نیز نام دارد.



تندیس ثقه الاسلام تبریزی واقع در خانه ی شخصی وی در شهر تبریز

ثقه الاسلام تبریزی:

از روحانیون بزرگ تبریز در قرن سیزده و اوایل قرن چهارده هجری قمری است. او پیشوای شیخیه بوده و در نجوم و ریاضیات و تاریخ و کلام و حکمت دست داشت، ادبیات نیز فرا گرفته بود در عتبات در محضر درس فقه و اصول فاضل اردکانی، شیخ زین العابدین مازندرانی حاج شیخ علی یزدی حاضر شده و از آنان کسب فیض می کرد. در سال ۱۳۰۸ به تبریز بازگشته و به رهبری روحانی پرداخت و در جریان مشروطیت حضور فعال داشت.

در دوره نفوذ و دخالت روسیه تزاری در تبریز با آنان از در مخالفت در آمد و چون به هیچ روی زیر بار نفوذ و دخالت آنان نرفت و اشغال تبریز را از طرف آنان تنفیذ و امضا نکرد، به حکم صاحب منصب روسی روز دهم محرم (عاشورا) سال ۱۳۳۰ هجری قمری مطابق با دیماه ۱۲۹۰ شمسی او و چند تن دیگر را در میدان مشق تبریز که اکنون محل دانشسرا است بر سر دار کردند و جنازه او در سمت مقبره الشعراي تبریز مدفون شد.



مقبره ثقه الاسلام تبریزی واقع در مقبره الشعراي تبریز

آذربایجان همواره به عنوان یکی از اصلی ترین خاستگاه های شعر و ادب پارسی ایرانزمین شناخته شده است و ادیبان و شاعران این دیار نقشی به مراتب پر رنگتر و ماندگارتر در حفظ و پرورش زبان و ادبیات پارسی داشته اند. برای نمونه می توان از کتاب نزهه المجالس نام برد. کتابی به قلم جمال الدین خلیل شروانی که حاوی مجموعه ای از بیش از چهارهزار رباعی سروده حدود سیصد شاعر ایرانی از سده های پنجم تا هفتم هجری می باشد و در میانه سده هفتم هجری، بین سال های ۶۴۸ تا ۶۵۹ گردآوری شده است.

نزدیک به یک سوم شاعران نزهه المجالس، شاعران منطقه آران، شروان و آذربایجان هستند. حضور صد ها شاعر پارسی گوی آذربایجانی بمانند قطران تبریزی ، همام تبریزی، مغربی تبریزی ، خاقانی شروانی ، نظامی گنجوی ، مهستی گنجوی و . . . نیز مجموعه ای فاخر و ارزشمندی بمانند مقبره الشعراي تبریز بعنوان بزرگترین آرامگاه ادیبان و شاعران پارسی گوی ایران زمین ، خار چشمی است برای همه قوم گرایان و پیروان تفکر پانترکیسم که خواستار تعریف هویت جعلی و ساختگی غیر ایرانی برای آذربادگان عزیز و باشندگانش می باشند.

سخن پایانی شعری زیبا از شاعر گرانقدر عارف قزوینی:

من این آتش خریدارش به جانم تا که جان دارم
که آتش ز آتشکده ی زرتشت در این دودمان دارم

چه آذرها به جان از عشق آذربایجان دارم
پرستشگاهم این آتش بود کو هستیم سوزد

پاینده ایران و ایرانی

وحید رنجبری آذرآبادگانی

http://darvakebaran.blogspot.com.au/2012/08/blog-post_26.html

منابع و ماخذ :

کتاب نزهه المجالس به قلم جمال‌الدین خلیل شروانی با تصحیح و تحقیق زنده یاد دکتر محمدمین ریاحی‌خویی چاپ دوم (فروردین ۱۳۷۵) انتشارات علمی
نزهه القلوب به قلم مستوفی، حمدالله. به کوشش محمد دبیرسیاقی. چاپ اول. قزوین: حدیث امروز
کتاب «تاریخ اولاد الاطهار» تألیف سید محمد رضا بن سید محمد صادق طباطبائی تبریزی ، با کوشش محمد الوان‌ساز خونی ، سال انتشار ۱۳۸۹
کتاب « کوی سرخاب تبریز و مقبره الشعرا » سجادی، ضیاء الدین، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵، چاپ دوم